

سید جان و خرد

فیلوپونوس

ردیه بر پروکلوس در باب قدم عالم

۱ تا ۵

ترجمه و تحقیق

میر تقی سبزواری



سرشناسه: فیلوپونوس، جان، قرن ۶ م. Philoponus, John
 عنوان و نام پدیدآور: ردیه بر پروکلوس در باب قدم عالم ۱ تا ۵ / فیلوپونوس؛ ترجمه و تحقیق میثم توکلی بینا؛ ویراستار
 زبانی محسن ربیعی.
 مشخصات نشر: تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۴۰۱. | مشخصات ظاهری: ۳۳۶ ص.
 شابک: 978-622-6331-39-5 | وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: De aeternitate mundi contra Proclum. Book 1-5
 یادداشت: کتاب حاضر از متن انگلیسی اثر با عنوان «"On the eternity of the world, 1-5" Against Proclus' 2005» به فارسی برگردانده شده است.
 موضوع: کیهان شناسی | Cosmology | ازلیت و ابدیت | Eternity | آفرینش | Creation
 شناسه افزوده: پرکلس، ۴۱۰ - ۴۸۵ م. | شناسه افزوده: Proclus, approximately 410-485
 شناسه افزوده: توکلی بینا، میثم، ۱۳۵۷ - ، مترجم | شناسه افزوده: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
 شناسه افزوده: Muassasah-i Pizhūhishī-i Hikmat va Falsafah-i Irān
 رده بندی کنگره: B ۷۰۱ | رده بندی دیویی: ۱۱۳ | شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۷۵۴۲۹ | اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



ردیه بر پروکلوس در باب قدم عالم

۱ تا ۵

فیلوپونوس

ترجمه و تحقیق میثم توکلی بینا

ویراستار زبانی: محسن ربیعی از مؤسسه «ویراستاران»

صفحه آرا: محمد کاظم کاظمی | خطاط و طراح جلد: حامد توسلی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مؤسسه بوستان کتاب

چاپ اول: ۱۴۰۱ | تیراژ: ۵۰۰ نسخه | قیمت: ۱۷۰,۰۰۰ تومان

ناشر: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران



نشانی: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، خیابان شهید آراکلیان، پلاک ۴

تلفن: ۶۶۹۶۵۳۴۶، نمابر: ۶۶۹۵۳۳۴۲

شابک: 978-622-6331-39-5 ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۳۱-۳۹-۵

www.irip.ac.ir

حق چاپ و نشر محفوظ است.

این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.

فهرست

۷	مقدمه ترجمه فارسی
۱۹	پیش‌گفتار
۲۵	مقدمه ترجمه انگلیسی
۴۱	توضیحات
۴۷	موارد عدول از متن ریب
۵۷	<استدلال اول پروکلوس جانشین>
۷۷	استدلال دوم پروکلوس جانشین
۹۵	استدلال سوم پروکلوس جانشین
۱۰۹	استدلال چهارم پروکلوس جانشین
۱۵۳	استدلال پنجم پروکلوس جانشین
۱۶۹	توضیحات
۲۰۹	کتابنامه
۲۱۳	واژه‌نامه انگلیسی - یونانی - فارسی (ترتیب انگلیسی)
۲۴۱	واژه‌نامه انگلیسی - یونانی - فارسی (ترتیب فارسی)
۲۶۹	نمایه یونانی - انگلیسی - فارسی
۳۱۹	نمایه موضوعات
۳۳۱	نمایه نقل قول‌های توضیحات

مقدمه ترجمه فارسی

حدود پنج سال پیش در مورد حدوث زمانی جهان و فیزیک معاصر مطالعه تطبیقی می‌کردم تا طرح پژوهشی‌ام را بنویسم. بااینکه طرح مذکور را علی‌الحساب در گوشه‌ای بایگانی کردم، اما فایده‌های فراوان از آن برده‌ام و پنجره‌هایی را به روی من گشوده است. یکی از ثمرات آن طرح انتخاب متن حاضر برای ترجمه است. وقتی متون ابن سینا، فارابی و حتی متکلمان پیش از خواجه را بررسی می‌کردم، کم‌کم برایم واضح شد که اینان در موضوع حدوث جهان متونی را مطالعه می‌کردند که هدف نهان و به‌ندرت آشکارشان نقض یا ابرام آن متون است. واضح شد که در آن زمان نسخه‌ای از یحیی محب‌التعب (شاید هم نحوی) در دست ایشان بوده و وقتی بحث از حدوث ذاتی یا زمانی می‌کنند، به آن نوشته عنایت دارند. یافتن و خواندن چنان متنی می‌توانست از برخی ابهامات متون فلسفی و کلامی رازگشایی کند و به تعبیری، سوییۀ مفقود دیالوگ پیدا شود. می‌دانیم که در این فرض، تفسیرها و تعبیرها از متون میراثی می‌تواند دگرگون، تکمیل، ابهام‌زدایی یا تحکیم شود و ارزش تفسیری چنان متنی بسیار است، اما جز اشارت‌ها و تلخیص‌های ناقصی در زبان عربی از آن برجای نمانده است. وقتی به پروژه بزرگ شارحان کهن ارسطو^۱ مراجعه کردم، خوشبختانه این متن را یافتم. این پروژه در انگلستان زیر نظر کالج سلطنتی لندن در سال ۱۹۸۷ با مدیریت ریچارد سورابجی آغاز شد. وی فردی

1. Ancient Commentators on Aristotle project

بسیار فاضل و دقیق است که نشان‌ها و جوایز فراوانی از دولت انگلستان دریافت کرده است. سورابجی بر آثار ارسطو تمرکز دارد و در این پروژه کوشیده است تمام نسخه‌های شارحان ارسطو را به انگلیسی برگرداند. تیم وی موفق شد تا سال ۲۰۱۲، صد جلد را منتشر کند و سی جلد دیگر نیز در دستور کار بود (که نتوانستم به اطلاعات سال‌های بعد از ۲۰۱۲ دست یابم). در فاصله سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ میلادی اثر فیلوپونوس با عنوان ردیه بر پروکلوس در باب قدم عالم، در چهار جلد، به مطالعه درآمد و از متن و تصحیح یونانی ریب به انگلیسی ترجمه شد. بخشی مفقود از نسخه اصلی یونانی را گروه تحقیق از روی متنی عربی بازسازی کرد^۱ و بخش دیگری هم در پی نوشت با حدس مصححان افزوده شد. بی‌شک اکثر راه را سورابجی و مترجمان (سه جلد حاصل کار مایکل شیر و یک جلد حاصل کار جیمز ویلبردینگ) رفته بودند و نسخه از جنبه‌های مختلف کامل بود.

به‌رغم اینکه زندگی‌نامه نویسان و کتاب‌نامه نویسان عربی قرون وسطا به ترجمه‌ای عربی از فیلوپونوس اشاره کرده‌اند، به نظر نمی‌رسد این نسخه بر جای مانده باشد. تیم تحقیق نیز بر این نکته تأکید کرده است.^۲ از این رو، متن عربی مرجعی برای مقابله وجود نداشت. البته برخی گزارش‌ها حکایت از آن دارد که نوعی ترجمه یا برداشت اقتباسی به زبان عربی از متن فیلوپونوس، ذیل نام الکساندر افرودیسی، به دست آمده که قاعدتاً شایستگی مقابله به مثابه یک نسخه را ندارد.^۳ تنها متن عربی قابل اعتنایی که وجود دارد در کتاب الافلاطونية المحدثه اثر مشهور عبدالرحمن بدوی است. در این اثر، او متون مادری را که می‌توانند بازتاب مکتب نوافلاطونی باشند تصحیح و ارائه کرده است. در بخشی از این کتاب، وی رساله خیر محض و نیز ادله پروکلوس بر قدم عالم را آورده است. هرچند، باید به سه نکته دقت کرد. نخست، این متن عربی حاوی ادله پروکلوس است و هیچ بخشی از ردیه

۱. برای آگاهی مخاطب فارسی‌خوان، در خلال شماره ۲ از توضیحات متن اصلی آن را افزوده‌ام.

2. G. Anawati, 'Un fragment perdu du De aeternitate mundide Proclus', in *Mélanges de philosophie grecque offerts a Mgr. Diès* (Paris, 1956), 21-2; R. Wisnowsky, 'Yahyâ al-Nahwî', *Encyclopaedia of Islam*, vol. 11 (Leiden, 2002), 252.

۳. نک: <https://plato.stanford.edu/entries/arabic-islamic-greek>

فیلوپونوس که موضوع اثر حاضر است در آن دیده نمی‌شود؛ دوم، فقط شامل نه برهان است و بقیه را در بر ندارد؛ سوم، ترجمه عربی مورد اعتماد وی همان ترجمه اسحاق بن حنین است. نسخه‌ای که بدوی در کتاب خود ارائه کرده تنها نسخه خطی موجود است که با شماره ۴۸۷۱ در کتابخانه ظاهریه دمشق موجود است.

اسحاق بن حنین در خانواده‌ای نسطوری از قبیله عباد حیره زاده شد. اسحاق و پدرش، پزشک و مترجم نامدار، حنین بن اسحاق، و عمه زاده‌اش، حبیش، سه دانشمند هنرور سخن‌دانی‌اند که شالوده مکتب حنین را بنیان نهادند و در نقل دانش‌های یونانی به جهان اسلام برجسته‌ترین نقش را داشتند و به همت ایشان، مهم‌ترین بخش‌های میراث علمی یونانیان در سرزمین‌های اسلامی رواج یافت. وی نزد پدر و نیز پزشکان مصر و انطاکیه دانش آموخت و پزشکی برجسته و مترجمی توانا شد. او از توجه خلفای عباسی، از متوکل تا مکتفی و احترام و اعتماد قاسم بن عبیدالله، وزیر معتضد، برخوردار بود. او را در شمار ندیمان مکتفی نیز آورده‌اند. اسحاق در آگاهی از دانش‌های یونانی و آشنایی با زبان‌های یونانی و سریانی و هنر ترجمه در ردیف پدرش و در فصاحت بیان در زبان عربی از پدرش برتر بوده است. وی با گروهی از دانشمندان که پیرامون حسن بن نوبخت، متکلم شیعی، گرد آمده بودند رابطه داشت و بنا به قولی به اسلام گرویده بود. ترجمه‌های اسحاق به زبان عربی را از اغلب ترجمه‌های لاتین آثار یونانی که مستقیماً از این زبان ترجمه شده‌اند، به متن اصلی نزدیک‌تر شناخته‌اند. از این رو، افزون بر استفاده مستقیم از متون عربی اسحاق در تهیه ترجمه‌های لاتین آثار دانشمندان یونان، در موارد بسیاری نیز برای درک درست متون لاتین این آثار، به‌ویژه کتاب‌های ارسطو، از ترجمه‌های عربی اسحاق به‌عنوان شاهد استفاده شده است.

در پایان نسخه حجج برقلس فی قدم العالم، در کتاب الافلاطونية المحدثه آمده است: «هذه الحجج التسعة هي بنقل اسحاق بن حنين و حجج ابرقلس في القدم هي ثمانی عشرة [ثمانية عشرة] حجة قد نقلها غير اسحاق نقلاً رديئاً، والذي وجد بنقل اسحاق منها هي هذه التسعة. والسلام»^۱.

۱. بدوی، عبدالرحمن، الافلاطونية المحدثه، ص ۴۲ از متن اصلی.

این نشان می‌دهد که تمام استدلال‌های هجده‌گانه پروکلوس به عربی ترجمه شده بوده و ترجمه اسحاق بن حنین ترجمه‌ای شایسته و ترجمه‌های دیگر پست و بی‌ارزش بوده است. نیز آشکار می‌شود که مستنسخ فقط نیمی از ادله ترجمه اسحاق را یافته است. با این حساب که قاعدتاً اسحاق بن حنین کل اثر را ترجمه کرده است، مستنسخ نیمه دیگر را نیافته و همان نیمه قابل اعتنا را ثبت کرده است؛ بقیه را با وجود ترجمه‌های بی‌ارزش ثبت نکرده و به همین مقدار بسنده کرده است. ترجمه فارسی نیز، برای بهبود واژه‌گزینی، با متن عربی اسحاق بن حنین مقابله شده است؛ اگرچه فقط محدود به متن ادله پروکلوس بوده است.

داستان از این قرار است که پروکلوس جانشین، که از آخرین مدیران آکادمی افلاطونی در آتن بود و بعد از مرگش به فاصله کوتاهی آکادمی تعطیل شد، در اثری می‌کوشد مطابق رأی نوافلاطونیان و فرهنگ رایج یونان از قدم عالم دفاع و موضع کران‌مندی زمانی جهان را انکار کند. کتاب پروکلوس در باب قدم عالم نام دارد که شامل هجده دلیل است و برخی آن را هجده دلیل در باب قدم عالم نیز خوانده‌اند. این استدلال‌ها را نمی‌توان نوآورانه یا مبتکرانه دانست، بلکه به نوعی سامان‌دهی و تبیین مباحث پیشینیان ذیل موضوعی مناقشه‌برانگیز است.

شایان ذکر است که اصل یونانی اثر پروکلوس هم از دست رفته و بخشی از آن در خلال همان ترجمه عربی که از آن سخن گفتیم باقی مانده و تنها اثری که ادله پروکلوس را به طور کامل در دل خود حفظ کرده است همین اثر ردیه بر پروکلوس در باب قدم عالم است. فیلوپونوس در این اثر ابتدا در هر بخش، دلیل پروکلوس را با امانت‌داری نقل می‌کند و سپس به بررسی و نقد تفصیلی آن می‌پردازد.

لذا در عمل، ترجمه و تحقیق این کتاب، احیای ادله پروکلوس نیز هست و جامعه علمی فارسی‌زبان را از ترجمه یا مطالعه جداگانه ادله پروکلوس بی‌نیاز می‌کند. چه آنکه همان ادله از طریق این کتاب احیا و بازایی شده‌اند و در دل اثر فیلوپونوس در میراث باقی مانده‌اند. البته دلیل اول پروکلوس در اصل یونانی کتاب فیلوپونوس مفقود است و افتادگی دارد. این دلیل را مترجمان انگلیسی از ترجمه عربی اسحاق بن حنین به انگلیسی برگردانده‌اند و ما نیز عین متن عربی دلیل اول را در یادداشت شماره ۲ پایان متن اصلی آورده‌ایم. به تصریح عبدالرحمن

بدوی برای احیای اثر کامل پروکلوس هیچ راهی جز استخراج آن از نسخه ردیه فیلوپونوس وجود ندارد.^۱

از سوی دیگر فیلوپونوس که بر مبانی نوافلاطونی تسلط دارد با روش خاص خود، ردیه‌ای بر کتاب مذکور می‌نویسد که اینک ترجمه آن پیش روی شماست. فیلوپونوس علایق مسیحی دارد ولی از آن محل هزینه نمی‌کند. وی می‌کوشد با تسلط فلسفی خود یا دلیل و تحلیل ارائه کند یا به دقت از دل سنت ارسطویی تناقض‌گویی شارحان یا داعیان قدم را بیرون آورد و برملا کند. به این ترتیب او به نحوی درون‌گفتمانی ناسازگاری اندیشه‌های ابرازشده را نشان می‌دهد و از این حیث متنی بسیار جذاب پدید می‌آید. مثلاً در مسئله قدم، تناقض این ایده با بحث دیگر ارسطو در باب محال بودن بی‌نهایت بالفعل را نشان می‌دهد و تطبیق می‌کند. نسخه یونانی اصلی کتاب ردیه بر پروکلوس در باب قدم عالم صرفاً نسخه خطی شماره ۲۳۶ در کتابخانه مارک مقدس در ونیز ایتالیا است.^۲ این نسخه بر پوست نوشته شده و به قرن‌های ۹ و ۱۰ میلادی باز می‌گردد. نسخه مذکور ۳۷۸ صفحه با ابعاد ۱۶ در ۲۵ سانتی‌متر دارد که به طور متوسط ۳۳ سطر در هر صفحه مکتوب شده است. سایر نسخه‌های خطی شامل نسخه ۲۰۵۸ پاریس به یونانی که بر اوراقی قرن پانزدهمی نوشته شده و نیز نسخه طبع و نیز که به اهتمام ترینکاولی در سال ۱۵۳۵ منتشر شده است، از همان نسخه رونویسی و برداشت شده‌اند. نیز هوگو ریب که در سال ۱۸۹۹ تصحیح انتقادی انجام داده، این کار را بر مبنای هر سه نسخه فوق انجام داده که برگردان انگلیسی هم از همین نسخه ریب انجام شده است. توضیح شیوه عملکرد مترجمان انگلیسی نیز در مقدمه خود ایشان موجود است. ابن الندیم در الفهرست، زمانی که تألیفات یحیی نحوی را فهرست می‌کند، «رد یحیی نحوی بر پروکلوس در باب قدم عالم» را بر می‌شمرد^۳ و قفطی در تاریخ الحکما دو جا از این کتاب یاد می‌کند: یکی جایی که درباره پروکلوس می‌نویسد «این همان پروکلوس ده‌ری مسلک است که یحیی نحوی کتاب معظمی را به رد او تخصیص

۱. بدوی، عبدالرحمن، الافلاطونية المحدثه، ص ۳۰ از مقدمه.

2. <https://marciana.venezia.sbn.it>

۳. ابن الندیم، الفهرست، ص ۳۵۶ (چاپ دار المعرفه).

داده و در این موضوع تصنیف کرده که نزد من موجود است... و یحیی نحوی در اولین مقاله در رد او ذکر کرده که وی در زمان دقلطیانوس قبطی می‌زیسته است.^۱ و دیگری جایی که تألیفات یحیی نحوی را بر می‌شمرد و از جمله در میان کتاب‌ها «کتاب ردیه بر پروکلوس دهری مسلک، ۱۶ مقاله» را نام می‌برد.^۲ واضح است که قفطی اینجا مرتکب سهو شده و همان گونه که دیگران تصریح کرده‌اند و در تصحیحات موجود است، این کتاب شامل هجده مقاله است. نیز ابن ابی اصیبعه به کتاب یحیی نحوی اشاره کرده و آن را هجده مقاله دانسته است.^۳ افزون بر گزارش تاریخ‌نگاران اسلامی فوق، موارد زیر نیز جالب توجه به نظر می‌رسد:

۱. ابوریحان بیرونی در تحقیق ما للهند، سه نقل را از یحیی نحوی آورده است. «یحیی نحوی در رد بر پروکلوس گوید: یونانیان اجرام قابل مشاهده در آسمان را "الهه" نام می‌دهند، همان گونه که بسیاری از عجم چنین کنند»^۴. این عبارت در نسخهٔ ریب، صفحهٔ ۶۳۶ موجود است. نیز در جای دیگر آمده است: «...بدون اینکه به فلکی که یحیی نحوی در ردیه بر پروکلوس از بطلمیوس نقل می‌کند، اشاره کند...»^۵. این عبارت نیز در صفحهٔ ۵۳۷ نسخهٔ ریب موجود است. عبارت «یحیی نحوی در رد بر پروکلوس می‌گوید گروهی از متکلمان...» نیز در نسخهٔ ریب مشاهده می‌شود.

این نقل قول‌ها نشان می‌دهد که نسخهٔ ترجمهٔ عربی کتاب فیلوپونوس موجود بوده و ابوریحان از آن نقل می‌کرده است. به خصوص که می‌دانیم قفطی بدان تصریح کرده و تا آن جا که مطلعیم، ابوریحان بیرونی یونانی نمی‌دانسته است.

۲. ابن سینا نیز در آثار خود هم به صورت صریح و هم به صورت نقد محتوا به آثار

۱. القفطی، تاریخ الحکماء، ص ۱۲۵ (چاپ دانشگاه تهران).

۲. همان، ص ۴۸۶.

۳. ابن ابی اصیبعه، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ج ۱، ص ۱۰۵ (چاپ قاهره).

۴. ابوریحان، تحقیق ما للهند، ص ۲۹ (عالم الکتب، بیروت، تحقیق احمد آرام).

۵. همان، ص ۱۶۳.

فیلپونوس می‌پردازد و صدا البته، بررسی این بخش از تعامل یا تقابل میان ابن سینا و یحیی نحوی به تحقیق مجزا و تفصیلی نیاز دارد که از نتایج انتشار همین ترجمه فارسی است. صرفاً به عنوان نمونه، ابن سینا در الاسئله و الاجوبة، صفحه ۱۳، می‌گوید گویی ابوریحان بیرونی این اعتراض را از یحیی نحوی گرفته که به وی تندی می‌کند و او را فریب‌کاری در لباس مسیحیت بر می‌شمرد. نیز در صفحه ۶۹ همین کتاب ابن سینا مدعی می‌شود کلیه مطالب یحیی نحوی را خوانده است. این باز مؤید آن است که نسخه‌ای عربی از کتاب در آن زمان موجود بوده و در میان فیلسوفان و متکلمان مطالعه و بحث می‌شده است.

۳. یک مورد عجیب در آثار کندی نیز به چشم می‌خورد. کندی در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم زیسته است. وی در اثبات خلقت از چند دلیل بهره می‌گیرد که کاملاً شبیه ادله فیلوپونوس است. به خصوص دلیل ممتنع بودن بی‌نهایت بالفعل را مطرح می‌کند که برای متکلمان برهانی کلاسیک به شمار می‌رود. البته کندی توانایی مطالعه آثار یونانی را داشته و می‌توان احتمال داد که به متن اصلی دسترسی داشته و متکی به ترجمه عربی نبوده است.^۱ در هر صورت کندی را می‌توان نخستین طرح‌کننده مطالب فیلوپونوس در فضای فکری عربی-اسلامی دانست. ۴. غزالی نیز در بخش نقد اعتقاد به قدم عالم از کتاب تهافت الفلاسفه اگرچه نامی از یحیی نحوی نمی‌برد، اما به روشنی برخی ادله وی را عیناً ارائه می‌کند.

۵. ابو البركات بغدادی نیز در المعبر بدون ذکر نام یحیی نحوی در فصل هفتم همان جا که بحث از ادله معتقدان به قدم عالم و باورمندان به حدوث آن می‌کند، ادله‌ای را می‌آورد که به تقابل پروکلوس و یحیی نحوی بسیار نزدیک است. البته این احتمال هم مطرح است که ابو البركات این مطالب را از غزالی گرفته باشد.

۱. نک:

Davidson, H. (1969). John Philoponus as a Source of Medieval Islamic and Jewish Proofs of Creation. *Journal of the American Oriental Society*, 89(2), 357-391.

بدوی باتوجه به سال وفات اسحاق بن حنین که ۲۹۸ هجری قمری است، این ایده را مطرح کرده که قاعدتاً کتاب ردیه بر پروکلوس در باب قدم عالم در قرن سوم ترجمه شده و از همان قرن به صورتی فزاینده توسط فیلسوفان و متکلمان مطالعه شده و در قرن چهارم آثار آن در گفتمان حدوث و قدم پا گرفته است.^۱

۶. شهرستانی نیز در الملل و النحل فصل مشبعی با عنوان «شبهات پروکلوس در باب قدم عالم» پرداخته است. وی در این فصل ۸ دلیل پروکلوس را با تعبیر شبهه طرح می‌کند و می‌گوید همه این‌ها مغالطه است و ویژگی استدلالی ندارد، بلکه تحمیل است. سپس مدعی می‌شود که در رد این کتاب، کتابی نوشته که البته ردی از این کتاب تاکنون به دست نیامده است.

۷. بنا بر گزارش بدوی، ابن ختمار بغدادی که عمر مفید فکری خود را در نیمه دوم قرن چهارم گذرانده، مقاله‌ای دارد با عنوان «درباره اینکه اساساً دلیل یحیی نحوی بر حدوث عالم قابل قبول‌تر از دلیل متکلمان است». این نسخه که به شماره ۳/۱۴۶۳ در کتابخانه رغب پاشا در استانبول نگهداری می‌شود، در پیوست‌های کتاب بدوی تصحیح و ارائه شده است.^۲ این شواهد جملگی نشان می‌دهند که تنور مباحث حدوث و قدم عالم در میان فلاسفه و متکلمان با خواندن تقابل پروکلوس و فیلوپونوس در اواخر قرن سوم و به‌ویژه ابتدای قرن چهارم داغ شده است.

فیلوپونوس اسکندرانی در قرن ششم میلادی می‌زیست و شاگرد شارح نامدار ارسطو، آمونیوس هرمیای، بود. از وی در متون عربی با نام یحیی (معرب جان) نحوی یا محب التعب (ترجمه نام: فیلو (محب) + پونوس (تعب و رنج)) یاد شده است. تسمیه او به «نحوی» به سبب دو رساله او در نحو بوده است. شرح و انتقادات فیلوپونوس بر طبیعیات ارسطو حتی بر گالیله هم اثر گذاشت. کما اینکه آثار او در جهان اسلام خوانده می‌شد.^۳ به نظر می‌رسد او نخستین کسی است که

۱. بدوی، عبدالرحمن، الافلاطونية المحدثه، ص ۳۵ از مقدمه.

۲. همان، ص ۲۴۳ تا ۲۴۷ از متن اصلی.

۳. به عنوان نمونه، نک: ابن سینا و بیرونی، الاسئلة و الاجوبة، صفحه ۱۳، که می‌گوید گویی بیرونی این اعتراض ←

محرک نامتحرک یا علت نخستین ارسطو را بر خدای متعین مسیحی تطبیق می‌کند (که در همین متن حاضر، شواهد آن را به خصوص در دلیل سوم و چهارم خواهید دید) و ناگفته پیداست که آثار آن در فلسفه و کلام مسلمانان تا چه حد بوده است. از سوی دیگر نباید از یاد برد که میراث عربی فلسفه، مرجع خوبی برای تصحیح آثار یونانی در مغرب زمین است و این رابطه دوسویه باید به دقت موردتوجه قرار گیرد. چنان‌که از یک تصحیح ریب در متن یونانی آشکار می‌شود، او نیز به این رابطه توجه داشته و نقص نسخه یونانی را با مراجعه به متن عربی تصحیح کرده است.^۱ به نظر می‌رسد فیلوپونوس کتاب حاضر را در سال ۵۲۹ میلادی نگاشته، همان گونه که در خلال دلیل شانزدهم بدان اشاره می‌کند.

در مجموع متن حاضر می‌تواند از این جهات مفید و منشأ آثار باشد:

- ۱) شناخت بهتر و درجه یک سنت‌های انتقادی نسبت به ارسطو و افلاطون؛
- ۲) پیشینه ماقبل اسلامی کلام مسلمانان به خصوص در موضوع حدوث و قدم؛
- ۳) درک بهتر متون فلسفی فارابی، ابن سینا و امثال ایشان باتوجه به درک سویی دیگر دیالوگ؛

۴) درک تطورات تاریخی مفاهیم فلسفی-کلامی از زمانه افلاطون تا مکاتب فلسفی اسلامی.

در این ترجمه فارسی کوشش بر این بوده که تا حد ممکن از اصالت متن حمایت شود. یعنی اینکه از آن گونه ساده‌سازی یا ترجمه آزاد که باعث می‌شود پا را از ترجمه فراتر بگذاریم و وارد شرح و تفسیر شویم خودداری کردیم. نیز از جاگذاری اصطلاحات متداول فلسفه اسلامی که سه تا چهار قرن پس از نگارش این متن، در زبان عربی تثبیت شده‌اند، پرهیز شده تا میان دو مکتب، تطبیق ناخودآگاهی صورت نگرفته باشد و ذهن خواننده جهت‌دهی نشود. این بدان معناست که کوشش بر این بوده قضاوت یا تفسیر (نفیاً و اثباتاً) وارد ترجمه نگردد و این

→ را از یحیی نحوی گرفته که به وی تندی می‌کند؛ نیز، نک: صفحه ۶۹ که ابن سینا مدعی می‌شود کلیه مطالب یحیی نحوی را خوانده است.

۱. ذیل دلیل ششم پروکلوس، کلمه «غیرحادث» را از نسخه اسحاق بن حنین برگرفته است.

وظيفه به پژوهشگران وانهاده شود. البته گاهی در پاورقی به معادل تطبیقی این اصطلاحات اشاره شده است. لذا عامدانه سعی کرده‌ام متن را به درون بافتار فلسفه اسلامی نبرم و از فضای اصطلاحی آشنا به ذهن خود تا حد امکان پرهیز کنم. این پرهیز را نسبت به اصطلاحات فلسفه غرب به خصوص قاره‌ای که می‌توانست در متن اثر بگذارد نیز در حد توان رعایت کرده‌ام.

اینک واژه‌گزینی برخی موارد مهم‌تر و اثرگذارتر را که به توضیح نیاز دارد از باب نمونه بیان می‌کنم.

واژه Eternity که درست در عنوان کتاب به کار رفته، به دو معنا در فلسفه کهن به کار رفته است. اولی به معنای نامشروط به زمان که ابتدا در آثار افلاطون به کار رفته است. در این صورت با وضعیتی از وجود مواجهیم که نسبت به آن گذشته، حال و آینده تفاوت ندارد. اما در نوشته‌های ارسطویی به معنای همیشگی و بی‌کران به کار می‌رود. در این معنا جهان درست با ملاحظه زمان‌مندی آن نه آغازی دارد و نه پایانی. این واژه قدیمی انگلیسی مترادف یک‌کلمه‌ای دقیقی ندارد. ابتدا در نظر داشتم «سرمدیت» را انتخاب کنم که به آغاز و پایان و حتی فرازمان بودن اشاره کند، اما به سبب جاافتادگی آن به عنوان یک اصطلاح، و نیز احتمال زیاد القای مفهوم غلط، از آن صرف نظر کردم و واژه آشنای قدیم را برگزیدم. اما باید تأکید کنم که مراد از eternity به مسئله بی‌آغاز بودن خلاصه نمی‌شود و بی‌انجام بودن هم جزء جدایی‌ناپذیر آن است.

واژه Everlasting نیز حکایتی مشابه دارد. اما از این جهت که واژه روزمره‌تری است، به اقتضای معنا و مراد جمله، معادل‌های مختلفی را برای آن به کار برده‌ام؛ مثلاً «ازلی» و «از ازل» برای مواردی که به وضوح از آغاز خلقت صحبت می‌کنند و «ازلی-ابدی»، همیشه، همواره، مدام و از ازل تا ابد در مواردی که به معنای حقیقی کرانه‌نداشتن محور زمان به کار رفته‌اند. البته به ندرت اتفاق افتاد که معنا در انگلیسی هم کژتابی داشت که آن را به «همیشگی» یا «جاودانگی» ترجمه کردم. در متن انگلیسی هم Being و هم Existence و نیز هم خانواده‌ها و هم‌ساخت‌های آن‌ها به سبب حفظ امانت اصل متن یونانی به وفور یافت می‌شود. برای اینکه دقت و ترجمه اصطلاحات هایدگری در متن سرایت نکند، و هم

امانت داری رعایت شده باشد، معمولاً متناسب با معنای جمله و مضمون برای آن معادلی را برگزیدم (همین طور برای Entity). نیز معمولاً *come to be* را با پدید آمدن معادل کردم. هرچند، در موارد متعددی نمی توانستیم میان به وجود آمدن و پدید آمدن تفاوت معنایی واضحی رصد کنیم؛ مگر آنکه مستند به سنت نوافلاطونی بخواهیم تفاسیر صدور و ایجاد را از هم تفکیک کنیم. البته در استدلال چهارم و پنجم این تفکیک به خوبی کارساز می شود و اگر نباشد، متنی آشفته و نارسا خواهیم داشت که قابل درک نیست. فیلوپونوس در این دو بخش به وضوح تکوین و وجود را از هم جدا می کند تا درون سنت نوافلاطونی سخن بگوید.

اما بر دو معضل دیگر هم باید تأکید کنم که به نظرم بسیار مهم هستند. مایکل شیر در ترجمه خود به تبعیت از دانشنامه آکسفورد، به جای *theoria* یونانی از مشتقات و معادل انگلیسی *reflection* بهره برده است. واضح است که این جایگزینی به خصوص وقتی با کاربرد شکل فعل و قید آن باشد، باعث کژتابی در فهم و ترجمه متن به فارسی می شود. لذا در تمام متن با مراجعه به اصل یونانی، این واژه و مشتقات آن را با «نظر» معادل کردم و به متن انگلیسی مقید نماندم.

نیز وی در ترجمه به انگلیسی برای مشتقات دمیور همواره از *creation* و هم خانواده های آن استفاده کرده است که در واژه نامه و نمایه نیز انعکاس یافته است. اما می دانیم که این نیز باعث بروز خطا در فهم متن می شود. در سنت یونانی، خلقت به معنای ادیان ابراهیمی مفهومی ندارد و آنچه افلاطون بدان اشاره دارد همان صورت گیری یا صورت بخشی است. اما چه می شود کرد؟ از سویی، پروکلوس مطابق آن سنت سخن می گوید؛ اما از سوی دیگر، فیلوپونوس با اتکا به پشتوانه دینی خود واقعاً از خلقت به معنای ابراهیمی سخن می گوید که توسط عامل مختاری از عدم صورت می پذیرد و ماده و صورت آن ایجاد می گردد. همین نکته، روح بخش مهمی از پاسخ فیلوپونوس به پروکلوس است. شاید مایکل شیر هم برای یکسان سازی این دو ادبیات، ناچار شده از واژه مشترک «خلقت» بهره گیرد. راه برون رفت از این مشکل این است که خواننده خیبر در هنگام مطالعه، خود این بار لغوی را همراه داشته باشد که در زمان سخن گفتن از سنت یونانی و افلاطونی و نوافلاطونی در متن، خلقت را با شبکه معانی مانند صورت یافتن،

صدور و افاضه قرین ببیند و در زمان خواندن نظرات فیلوپونوس آن را با شبکه معانی دینی خالق مختار، خلقت از عدم و خلق ماده و صورت قرین ببیند. لازم است بر اهمیت فراوان توضیحاتی که در پایان می‌آید تأکید کنم. نخست اینکه این اثر بدون مراجعه مستمر به توضیحات بعید است به درستی فهمیده شود و در ثانی به سبب دقت نظر مصححان، بخش بسیار مفید و اثرگذاری در متن به شمار می‌رود. یادآور می‌شوم که تصحیح انگلیسی در چهار جلد منتشر شده و ترجمه و انتشار فارسی نیز به همان ترتیب خواهد بود. لذا در این جلد دلیل ۱ تا ۵، در جلد دوم دلیل ۶ تا ۸، در جلد سوم دلیل ۹ تا ۱۱ و در جلد چهارم دلیل ۱۲ تا ۱۸ ارائه خواهد شد.

بی‌شک باید از یاری‌ها و دل‌سوزی‌های بسیاری از دوستان و همکاران تشکر کنم. از استادان گران‌مایه دکتر شهرام پازوکی، دکتر معصومی همدانی و دکتر بهمن پازوکی که برای فهم و تدقیق متن بسیار مزاحمشان بودم و از دوستی که اجازه نیافتم نامش را در اینجا ذکر کنم، بی‌اندازه سپاسگزارم. به همین ترتیب، از دست‌اندرکاران مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران که در راستای کیفیت اثر و نشر آن کوشیدند قدردانی می‌کنم. واضح است که مسئولیت کلیه کاستی‌ها و خطاهای محتمل متن بر عهده این جانب است.

میثم توکلی بینا

عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران

tavakoli@IRIP.ac.ir

تیرماه ۱۴۰۰